

راز قتل يك دختر

يكي از تجربه‌هاي دوران ۶۵ ساله روزنامه‌نگاري ام اين است که در بخش حوادث مي‌توان از طريق خوانندگان روزنامه در جريان رویدادها قرار گرفت. در دوره‌اي که دبيري سرويس [روزنامه کيهان](#) را بر عهده داشتم، شماره تلفني را به خوانندگان اختصاص داده بودم تا هرگاه رخداد يا واقعه‌اي را در جايي مشاهده کردند با گروه حوادث روزنامه تماس بگيرند تا خبرنگاري را براي تهيه گزارش به محل حادثه بفرستيم و از اين طريق به خبرهاي جالبي دست مي‌يافتيم که واقعه قتل معشوقه يكي از برادران طردشده شاه از آن جمله است.

صبح يك روز در ديماه سال 1339 که کارم را در تحريريه روزنامه شروع کرده بودم تلفن مخصوص خوانندگان زنگ زد. تماس‌گيرنده زن جوان ناشناسي بود که خبر از يك جنايت داشت. او گفت: نيمه شب ديشب دختری به نام فلور را که معشوقه شاهزاده حميدرضا کوچک‌ترين برادر شاه بوده در آپارتمان‌ش کشته‌اند و حالا جنازه اين دختر در آپارتمان‌ش افتاده. پرسيدم؛ چه کسي اين دختر را کشته؟ انگيزه قتل چه بوده؟ که گفت: اين دختر با نام مستعار فلور با حميدرضا پهلوي رابطه داشته و از او باردار شده بود. «هما.خ» معروف به موطلايي شهر که همسر غيرقانوني شاهزاده حميدرضا است. وقتي حميدرضا از راز [بارداري](#) فلور باخبر شد از اين دختر خواست سقط جنين کند اما وقتي جواب مخالف شنيد نيمه‌هاي شب به آپارتمان فلور رفته و ضمن نزاع او را کشته.

خبرنگاري هم که به محل حادثه رفته بود در تماس تلفني خبر داد مقتول دختری 18 ساله به نام ديران آغاسي از نوادگان حاج ميرزا آغاسي صدر اعظم محمدشاه قاجار بوده که با نام مستعار فلور در يكي از بارهاي شبانه تهران معروف به بار آبان با مردان پولدار حشر و نشر داشت که براي ساعتی همنشيني با آنها هدايای گرانبهائي دريافت مي‌کرد. از جمله دلبسته‌هاي پولدار فلور بازرگان جواني بود که دسته کلید طلايي يك اتومبيل بنز را به او بخشیده بود تا اينکه حميدرضا اين شاهزاده عياش طرد شده در دربار به فلور دل بست و محافظان حميدرضا بزن بهادرش را پيش بازرگان فرستاد و به او اخطار داد که ديگر سراغ فلور نرود. فلور در يكي از کوچه‌هاي خيابان بهار در آپارتماني تنها زندگي مي‌کرد و يك پسر بچه 14 ساله روستايي کار خانه‌اش را انجام مي‌داد. طی مکالمه تلفني از زن ناشناس پرسيدم عاملان قتل فلور کي بوده؟ در جواب گفت: تا آنجا که خبر دارم هما.خ

معروف به موطلايي شهر همسر غيرقانوني حميدرضا همراه مردی نیمه شب وارد آپارتمان شده ابتدا فلور را تهدید کرده که باید جنین متعلق به شاهزاده حميدرضا را سقط کند اما در جریان نزاعی که بین آنها در گرفته با يك قندشکن به سر فلور کوبیده و بعد با مرد همراهِش آپارتمان را ترك کردند. پس از این تماس تلفنی با کلانتری خیابان بهار تماس گرفتم تا درباره جزییات این جنایت بدانم. افسر نگهبان کلانتری وقوع قتل را در کوچه پاك تایید کرد و گفت: مامورانمان را برای تحقیق محلی به محل جنایت فرستاده‌ایم و بازپرس جنایی سرگرم تحقیق در آن آپارتمان است. افسر نگهبان کلانتری هم گفت: خبر قتل را يك زن ناشناس در تماس تلفنی به کلانتری داده بود و ما هم وقوع این جنایت را به بازپرس جنایی اطلاع دادیم. خبرنگار بخش حوادث روزنامه که برای تهیه گزارش به محل حادثه رفته بود خبر داد در آپارتمان قفل بود که بازپرس دستور داد قفل در ورودی را شکستند و برای تحقیق وارد آپارتمان شدند. ابتدا قندشکن خونین را دیدند که کف اتاق نشیمن بود. جنازه مقتول را در راهروی دستشویی پیدا کردند که پزشک قانونی هنگام معاینه جسد قربانی موهای آغشته به خون را از روی پیشانی جسد کنار زد با دیدن زخم عمیقی تشخیص داد قاتل در تعقیب فلور در اتاق نشیمن قندشکن را بر سرش وارد آورده که فلور با فرار به دستشویی بر زمین افتاده و کشته شد.

پزشک قانونی همچنین روی صورت و پشت دستهای مقتول آثار خراشهای خونین را می‌دید و مشخص بود با ناخنهای بلند يك زن به وجود آمده است. چند تار از اثر موهای طلايي قاتل هم روی پیشانی خونین قربانی پیدا بود و نشان می‌داد قاتل يك زن مو طلايي است که هنگام گلاویز شدن با قربانی باقی مانده بود، اما خانه شاگرد نوجوان فلور به نام سعداله که نوجوانی روستایی بود صبح زود به زادگاهش در حومه اردبیل فرار کرده بود. به دستور بازپرس سعداله در زادگاهش دستگیر شد و این پسر بچه نحیف و لاغر اندام که هیچ‌کس باور نمی‌کرد مرتکب قتل شده باشد اما او در تمامی مراحل بازجویی این جمله را مرتب تکرار می‌کرد که من بودم که خانم را کشتم... آثار ناخنهای بلند با لاک قرمز و چند تار موی طلايي بر چهره خونین مقتول نشان می‌داد این پسر بچه قاتل باشد. همچنین هیچ اثر انگشتی از این پسر بچه نحیف روستایی روی قندشکن و سر و صورت قربانی نبود و گزارشهای خبرنگاران ما نشان می‌داد فلور به خاطر آستن بودن از شاهزاده طرد شده دربار توسط زنی مو طلايي به قتل رسیده. راز باردار بودن فلور از سوی پزشکان قانونی پنهان نگه داشته شد و روزنامه‌ها هم از افشای این راز منع شدند تا خانه شاگرد روستایی قاتل معرفی شود. سرانجام سعداله به عنوان قاتل فلور چهار سال به زندان محکوم شد

که چند ماهی را در جایی نگهش داشتند و از آن پس معلوم نشد چه بر سر این جوانک روستایی آمده است.

اما بر سر شاهزاده عیاش چه آمد؟

حمیدرضا در آغاز دوران جوانی‌اش بود که به اصرار خانواده با مینو دولتشاهی از یک خانواده سرشناس وابسته به دربار [ازدواج](#) کرده بود تا سر به راه شود که از این [ازدواج](#) صاحب یک دختر به نام نیلوفر پهلوی شد اما این زندگی مشترک دیری نپایید و حمیدرضا با هما.خ بدون ازدواج قانونی زندگی مشترکی را شروع کرد که از او هم صاحب یک دختر و یک پسر شد. این زندگی مشترک هم دوام چندانی پیدا نکرد و سرانجام حمیدرضا پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال 1371 به دلیل اعتیاد شدید مواد مخدر در تهران در اوج آوارگی جان سپرد که در بهشت زهرا دفنش کردند.

**محمد بلوری/ اعتماد / 5186